

# ایران

صاحب امتیاز:

فرهنگری جمهوری اسلامی

آدان ظهر ۱۲/۱۶ | آدان مغرب ۱۸/۲۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ | آدان صبح فردا ۵/۰۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۸

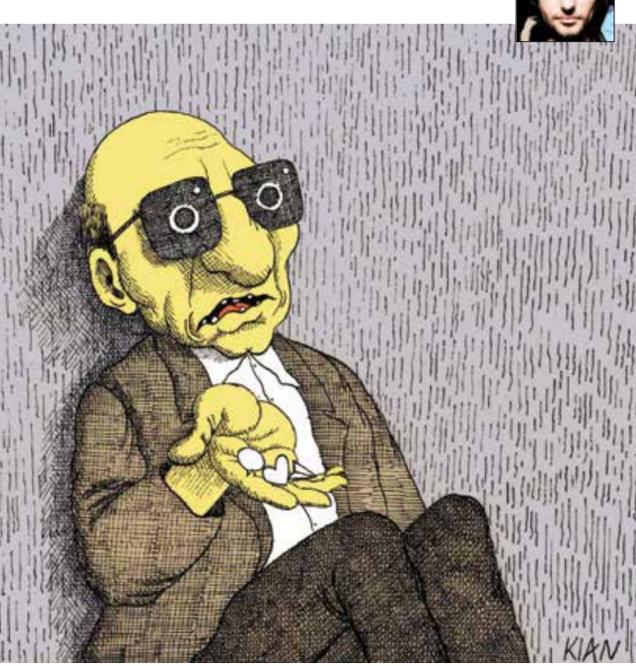
**پیامبر اکرم (ص):**

**ماه شعبان، «شعبان» نامیده شد؛ زیرا روزی‌های مؤمنان در این ماه قسمت می‌شود.**

**سخن روز**

**نگاره**

کیان رادویان



**هنرمندان در فضای مجازی**

**تنها ۱۵ روز به پایان سال ۱۴۰۰ مانده است. سالی که همچنان مردم به خاطر کرونا ماسک می‌زنند و از هم برای زدن ماسک و واکسن دعوت می‌کنند. این روزها کارشناسان در فضای مجازی در مورد اخاذی اینترنتی از زهره فکور صبور می‌نویسند و از مردم می‌خواهند که این مشکل را دنبال نکنند.**



مرگ خودخواسته **زهره فکور صبور** بازتاب بسیاری بین هنرمندان داشت. در این میان هم روانشناسان و جامعه‌شناسان هم به تحلیل این واقعه پرداختند و به نقش مردم در دنبال نکردن صفحات زرد و جنجالی اشاره کردند. مرجانه گلچین برای او نوشت: «سلام من رو به آسمونی‌ها برسون، بگو من هم مثل تو از زمینی‌ها خسته‌ام.» فریبا کوثری هم با انتشار عکس این بازیگر فقید نوشت: «فصل مشترک ما در دلنوازان همیشه برابم از خاطرات خوب با تو به یادگار خواهد ماند.»
تعمیه نظام‌دوست هم در بخشی از یادداشت خود نوشت: «بالهایت روز بازن کن، آزادانه پرواز کن، اوج بگیر و پرواز کن که از این زمین و پلیدی‌ها و قضاوت‌هاش چیزی نبینی، آروم بخواب دوست معصوم و مهربون من»، الهام پناه‌نژاد هم نوشت: «چه زهر روزگاری است.» سوسن پرور در متنی به مسئولیت اجتماعی خود اشاره کرد. او که تا به حال فکور صبور را ندیده بود برای او نوشت: «می‌دانم در این رفتن تو سهمی دارم بابت آن سهم مرا ببخش. حتماً جایی چرخه مهربانی را قطع کردم که باعث شده دنیایت از مهر خالی شود. حتماً جایی از سر خشم فریادی کشیدم که دیگر تاب شنیدن صدای این دنیا را نداشتی حتماً جایی تلخی کردم که دنیایت را تلخی پر کرد و خواستی که بروی. زهره جانم ما همه به هم وصلیم و حتما من جایی کجی رفتم که تو از رفتن باز ایستادی. من در ببخش دختر مهربان. ببخش که نتوانستم دنیا را به اندازه خودم زیباتر کنم. ببخش که نتوانستم جلوی رفتنت را بگیرم.»

■ **چهره‌ها**

**فاطمه معتمدآریا** این روزها مشغول بازی در تئاتر «بچه» به کارگردانی افسانه ماهیان است. او در پست جدید اینستاگرام خود خبر از تمدید محدود این اجرا و البته پیش فروش بلیت‌های فروردین سال ۱۴۰۱ داده است. نغمه تمینی نویسنده این نمایشنامه است که در آن علاوه بر فاطمه معتمدآریا، مهران نائل و شیوا فلاحی بازی دارند. نمایش بچه در سالن استاد سمندریان در نماشخانه ایرانشهر اجرا می‌شود.

**سیاوش چراغی پور** بازیگر تئاتر و سینما هم خبر از صدور پروانه نمایش «حبس مجره» داد و تیزر این فیلم را در صفحه خود منتشر کرد. این فیلم به کارگردانی محمدحسام حدادیان و تهیه‌کنندگی مهران مهدویان قرار است که اوایل سال آینده در سینماهای کشور اکران شود. علاوه بر چراغی‌پور، مهدی کوشکی، مهرداد ضیایی، ثریا قاسمی، سید جواد حبیبی و هنرمندان دیگر در این فیلم بازی دارند.

**نصرالله افجه‌ای** با انتشار عکس تابلوی خط نوشت خود بخشی از یادداشت روبین پاکباز تاریخ‌نگار هنر، منتقد و نقاش نوگرای ایرانی را منتشر کرد: «نصرالله افجه‌ای علاوه بر بهره‌گیری از پتانسیل خط، برخی ویژگی‌های سنت کتابت و صفحه‌آرایی ایرانی-اسلامی را در ترکیب‌بندی و چیدمان عناصر نقاشیخط‌هایش به کار برده است.»

**جواد خواجوی** در صفحه خود خبر از اجرای نمایش «آدیداس» به کارگردانی پویا غازی داده است. او دربراره تکمیل ۵شب ابتدای نمایش نوشت و خبر از امکان خرید بلیت برای روزهای دیگر داد. این نمایش به نویسندگی مهدی ضیا، چمنی است که در آن مصطفی محمدزاده، علی احمدی، مهیار غازی، حجت سادات، شایان بهداد، علی فلاح و میلاد ادیب بازی دارند. «آدیداس» در پردیس تئاتر شهزاد اجرا می‌شود.

■ **دنیای نشر**

نشر کنار برای علاقه‌مندان رئالیسم جادویی کتاب «عمارت رصدخانه» به نویسندگی ادوارد کری با ترجمه محمد غفوری را پیشنهاد داده است. این نشر درباره این کتاب نوشت: «ادوارد کری در این رمان، واقعیت و خیال را در هم آمیخته تا هم تخیل هم تعقل مخاطب را برانگیزد. نویسنده در این رمان، مخاطب را به خوبی با خود همراه و به گونه‌ای شخصیت پردازی کرده که خواننده با شخصیت‌های داستانش همراه شود و با آنها همذات‌پنداری می‌کند.»

■ **پایان نیشان آبی**

سریال «نیسان آبی» به پایان رسید و این امر بهانه‌ای شد که گروه سازنده با انتشار عکس و فیلم این موضوع را اطلاع‌رسانی کنند. احسان ظلی‌پور تهیه‌کننده این سریال در بخشی از یادداشت خود نوشت: «قصه، قصه است، برآمده از بطن جامعه و صیقل داده شده در ذهن قلم‌های که هدفشان دنیایی بهتر است، به گمانم هدف ما و نویسندگانمان همین بود.» منوچهر هادی در پست خود از تک تک عوامل از نویسنده تا بازیگران، از طراحان لباس تا گروه تدارکات تشکر کرد.

## اوباً آثار و خاطراتش برقرار می‌ماند

**کوروش کمالی سروستانی**: بخت یار زنده‌یاد «محمدرضا پرهیزگارا»، مردی که به زور پرفختر استاد ی و محققی و مترجمی آراسته شد و اگرچه در این راه نورانی، رنج‌های گران کشید، اما همت آسمانی‌اش او را بدان سوی سوق داد تا با قلم فراخ اش به نگارش هشت کتاب و ده‌ها مقاله و ترجمه در فرهنگ، نقد ادبی، شعر و زبان پرداخته، ندآور فرهنگی این سرزمین بلندآوازه را نقش دوام زند. گرانسگ آثاری که بی‌تردید چندان پابنده‌اند که روزگار یابد. طراوت حضورش در جمع یاران با ظنر دلنشین و ظریف اش روح‌افزا بود. در ترجمه واژگان دقیق و عمیق بود. شریف بود و از اهالی امروز. به موسیقی عشق می‌ورزید. امروز فقدانش بر دل ما غمی عظیم نهاده، هنوز ظنین صدای مهربان و خنده‌های آرام اش را در گوش خود احساس می‌کنیم، اگرچه در ساحت ناسوتی از او جدا مانده‌ایم .اما با آثار و خاطراتی که از او به یادگار داریم، کوبی سروی است سبز و سایه‌گستر که تا همیشه ریشه در دل‌ها گسترده است.

بخشی از سخنرانی رئیس مرکز سعدی‌شناسی در مراسم خاکسپاری «محمدرضا پرهیزگار»

## عصر دیجیتال و نقش آفرینی رسانه‌های نوظهور

به‌دنبال توسعه ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، تسهیل و تسریع فرایند تعاملات انسانی مطرح شده‌اند. هرچند پیشرفت تکنولوژی در جهان معاصر بر روند تغییرات نقش مهمی را بر جای گذاشته است اما این ابزارهای تعامل، برای پیشبرد اهداف ضد ایرانی و غیراسلامی در قالب جنگ نرم قابل استفاده هستند. پس از جنگ جهانی دوم، کارشناسان جنگ روانی پذیرفته‌اند که مفهوم اساسی جنگ روانی، دستکاری باورها با به کارگیری رسانه‌های ارتباطی است.
استحاله فرهنگی در دنیای معاصر از طرق مختلفی چون؛ وبلاگ‌های فردی و گروهی، شنود مکالمات، تسلط به ارتباطات الکترونیکی، نفوذ در شبکه‌های سازمانی و ملی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌های وابسته به فرقه‌ها و گروه‌های خاص بر ذهنیت‌ها و اعتقادات تأثیر گذاشته است. گسترش این تعاملات در جوامع ضعیف‌تر باعث تغییر نحوه کنش متقابل افراد آن جوامع با همدیگر و در نتیجه منجر به گرایش و عمل به محتوا، روش و ارزش‌های القایی ابزارهای ارتباطی بیگانه شده و به تدریج سبک زندگی دستخوش تغییر بنیادین می‌شود. چشم‌انداز رسانه برای افرادی که در تلاش برای تصمیم‌گیری استراتژیک هستند و برای مصرف‌کنندگانی که با اشکال جدید رسانه و مصرف غرق شده‌اند، پیچیده‌تر می‌شود. تلاش برای تعریف رسانه در فضای دیجیتال مانند تیراندازی به یک هدف متحرک است زیرا به سرعت در حال تکامل است.ظهور فضای مجازی و گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین جوانان و دانشجویان، بر سبک زندگی و گذران وقت آنان تأثیر گذاشته است.چشم‌انداز رسانه‌های جدید نشان می‌دهد که رسانه می‌تواند پیام، رسانه یا پیام رسان باشد و برای پیچیده شدن همه چیز، در این عصر دیجیتال، خطوط بین آنها بسیار مبهم می‌شود.فیدهای خبری نیز حاوی داستان‌های حمایت‌شده‌اند که شبیه اخبار هستند. رسانه‌های نوظهور ثابت کرده‌اند که قرار دادن تبلیغات در فیلم‌ها یک روش معمول است، چیزی که قبلاً به‌عنوان یک مرز مشخص بین محتوای خلاقانه، تبلیغات و غیرداستانی شناخته می‌شد، توسط رسانه‌های جدید مانند محتوای کوتاه که می‌تواند دارای هر سه عنصر باشد، به چالش کشیده می‌شود و اشکال مختلف رسانه در دنیای فیزیکی، مانند متن، فیلم، موسیقی و بازی‌ها را می‌توان در فضای دیجیتال ادغام کرد تا یک تجربه مصرف‌کننده چندرسانه‌ای ایجاد کند لذا ضرورت دارد تا با بالا بردن سطح سواد رسانه و تولید محصولات چند رسانه‌ای تأثیرگذار در بیان اقدامات انجام شده همتی بیش‌تر از پیش نشان داد تا از این طریق در نگاه مدیریت رسانه‌های عصر دیجیتال به گزینه‌ها و قابلیت‌های «قدرت نرم» اولویت یکسانی داد.

### امیدبخش، شادی آفرین و حق‌نما

مطالعه، تماشا و شنود آثاری را توصیه می‌کنم که امیدبخش و شادی آفرین و حق‌نما باشد.
**چه بخوانیم:** گرچه آثار جلال آل احمد و سیمین دانشور، همگی خواندنی و لذت بخش اند ،ولی پیشنهاد می‌کنم کتاب «مدیر مدرسه» و «سوفوسون» را بخوانید.
در «مدیر مدرسه» در بستر مناسبات اجتماعی و سیاسی آن دوران زندگی یک مدیر فرهنگی به تصویر در می‌آید، به گونه‌ای که مخاطب ضمن همذات‌پنداری با این شخصیت وارد فراز و فرود زندگی او شده و از این طریق تحلیلی تازه از زوایه و نگاهی متفاوت به اجتماع و دوران ستم‌شاهی پیدا می‌کند. این متن از نظر نگارش، مضمون و محتوا، تأثیرگذاری فرهنگی و همچنین از نظر نوع نگارش با حفظ ویژگی‌های آثار آل احمد جایگاهی شاخص در میان آثار او و ادیبان داستانی کشور دارد. «سوفوسون» نگاهی متفاوت و تازه به رویکرد ملی و ایرانی دارد. حماسه شورآفرینی سیاوش قهرمان ملی کشور که برای اثبات بی‌گناهی خود مجبور می‌شود از میان آتش زدالت و جهالت حاکمان عبور کند زیرساخت داستان قوی و تأثیرگذار سیمین دانشور را شکل داده که در انتها با عبور پیروزمندانه سیاوش از میان آتش، زبانی که شخصیت‌ها با آن ارتباط برقرار می‌کنند و خود را بیان می‌کند باید متکی بر زمینه و زمانه‌ای باشد که داستان در آن رخ می‌دهد. روزگاری سریال‌های تاریخی تلویزیون ایران هرچه نداشتند، زبان نسبتاً فکر شده و پیراسته‌ای داشتند، زبانی که متکی به منابع و شناختی تاریخی شکل می‌گرفت. در کنشوری که از مشروطه تا امروز درام‌نویسی سنتی نسبتاً پایا بوده است و زبان به‌عنوان یکی از عناصر مهم به آنچه‌گاه که درام ایرانی خوانده می‌شود شکل داده، چنین سریال‌های پرهزینه‌ای با چنین زبان ویران و بی‌مایه‌ای مایه تعجب است. در همین سریال‌های به اصطلاح تاریخی که بیشتر رونوشتی رقت‌انگیز از نمونه‌های ترکی هستند، زبان خالی از هویت و انسجام است. شخصیت‌ها‌گاه امروزی حرف می‌زنند و گاه انگار دکمه‌ای زده می‌شود و ناگهان لحن و زبان عوض می‌کنند و با زبان و ادبیات دوره‌ای دیگر با هم گفت‌وگو می‌کنند.

تولید سلخخته و ظاهرگرایی سطحی این سریال‌ها گویی باعث شده است که فیلمنامه از اهمیت زیادی برخوردار نباشد. مشتی به اصلاح ستاره که دیگر نوری هم از آنها نمی‌درخشد و بیشتر تکرار خود را بر ساخت چیزی جدید ترجیح می‌دهند، بسادگی حاضر به گفتن بدترین دیالوگ‌ها، در بدترین میزانشن‌ها و غیر قابل باورترین موقعیت‌ها هستند.
بله این آثار هیچ نیستند جز مقوا؛ آدم‌ها مقوا هستند، زبان مقواست، مخته مقواست و تاریخ و رخدادها و محتوای آن نیز چیزی جز مقوا نیست. روزگاری سریال تاریخی ساختن کار هر کسی نبود و فیلمسازان خاصی را رویکرد و دانش خاص وارد این حوزه می‌شدند، اما امروزه گویا هرکسی حتی آنها که در گذشته آثار بهتری در این حوزه می‌ساختند با یک کاردستی مقوایی و میزبان زیادی نمونه برداری و رونوشت از تولیدات کشور همسایه «سریال تاریخی» می‌سازند.

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

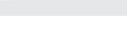
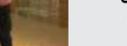
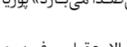
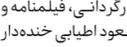
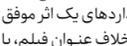
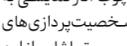
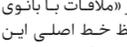
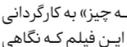
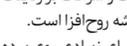
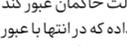
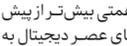
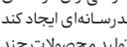
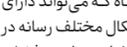
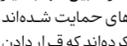
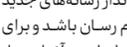
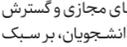
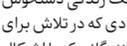
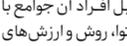
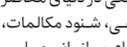
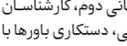
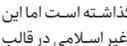
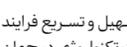
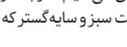
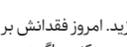
## ”

## ”

## ”

## ”

## ”



نیکي همواره با گام‌های

لاک پشتی پیش می‌رود. کسانی

که می‌خواهند نیکوکار باشند

هرگز خود‌خواه نیستند و در

کار خود تعجیل روا نمی‌دارند.

آنان به خوبی می‌دانند که نیکي

رساندن به مردم مستلزم صرف

وقت است.

این است مذهب من

مهاتما گاندی

مترجم: باقر موسوی زنجانی

پرخاشگری؛ از مؤلفه‌های هیجانی تا شناختی ۱/

### جابه‌جایی در پرخاشگری

نچه در تبارشناسی اخلاق نوشت:

«غریزه‌هایی که نتوانند خود را در بیرون خالی

کنند، رو به درون

می‌آورند.» همه چیز

از سپیده کودکی آغاز

می‌شود و تا شامگاه

کنه‌سال‌ی ادامه می‌یابد.

امیال و امال و نیازهای

دیگر دست نیافتنه که

بنا به دلایل گوناگون مانند مسائل اقتصادی،

فرهنگی، روابط بین فردی، حوادث زندگی و…

به ناچار در خودآگاه سرکوب و در سیاهچال

خودآگاه زندانی می‌شود تا انسان دیگر از

آنها آگاهی نداشته باشد، اما همچنان رنج

ببرد. یکی از عواقب این سرکوب‌ها، رفتار

پرخاشگرانه است. و یکی از این رفتارها، رفتار

پرخاشگرانه و اغلب مبالغه آمیز است، بدون

اینکه حتی دلیل منطقی برای آن وجود داشته

باشد و از آن مبهم‌تر اینکه این رفتار به سوی

کسی نشانه رود که هیچ نقشی در بروز آن

نداشته است. در واقع پرخاشگری در تعریف

معمولش، به عنوان رفتاری توصیف می‌شود

که «متوجه فرد دیگری است و هدف آن صدمه

زدن به وی است.» این رفتار که تمایل به وارد

کردن آسیب‌های فیزیکی و روانشناختی است،

به منظور کنترل اعمال رفتار دیگران صورت

می‌گیرد و همیشه قصدی برای آن وجود دارد.

پرخاشگری که به عنوان مؤلفه ابزار معرفی

می‌شود، در کنار آسیب فیزیکی می‌تواند به

صورت کلامی هم باشد مثلاً با توهین و تمسخر

به دیگری. همچنین خشم به عنوان یکی از

هیجان‌های (احساس‌های) اصلی، اغلب(نه)

همیشه) با پرخاشگری همبستگی دارد که به

عنوان یک انگیزختگی فیزیکی شناخته شده

که معرفر مؤلفه‌های عاطفی هیجانی است

و خصوصت که شامل احساس بدخواهی و

بی‌عدالتی است، معرفر مؤلفه‌های شناختی

پرخاشگری است. با این تفصیل، این را نیز

باید در نظر گرفت که پرخاشگری ریشه‌های

گوناگون دارد که به اشکال مختلف هم می‌تواند

نشان داده شود اما در اینجا بناست که تنها به

یکی از عوامل آن اشاره شود، به اینکه چگونه

یک رفتار پرخاشگرانه مبالغه‌آمیز می‌تواند

سوی کسی نشانه رود که هیچ گونه نقشی در

بروز آن نداشته است؟

در روان‌پوشی یکی از مکانیزم‌های دفاعی

جابه‌جایی است. در این مکانیزم دفاعی توجه

به شی‌ای که اضطراب‌آور است به شی‌ای

کمتر اضطراب‌آور منتقل می‌شود. به طور مثال

فردی در محیط کارش، از رئیسش بنا به دلایلی

دلخور و خشمگین است و احساس خصومت

می‌کند اما به سبب جایگاه موقعیتی‌اش

نمی‌تواند ناراحتی‌اش را به وی بروز دهد،

بنابراین وقتی به خانه باز می‌گردد، ممکن

است با یک رفتار پرخاشگرانه فرزندش را که

قدرتی پایین‌تر از او دارد مورد هدف قرار دهد.

در اینجاست که گفته می‌شود مکانیزم دفاعی

جابه‌جایی صورت گرفته است. حتی این

مکانیزم با میل به خودتخریبی نیز می‌تواند به

سمت دیگران جابه‌جا شود.

بنابراین در بستر روابط اجتماعی، از این گونه

پرخاشگری‌ها بارها و بارها می‌تواند اتفاق

بیفتد. به همین دلیل وقتی در یک جامعه

افرادی که با مسائل عدیده معشیتی مواجهند

است و نمی‌دانند که از چه کسی گلیه کنند، ممکن

نمی‌توانند ناراحتی‌اش را مورد هدف قرار دهند تا اعمال

پرخاشگرانه در بستر جامعه حتی درخصوص

ساده‌ترین مضامین و موقعیت‌ها مثل صف

ناوایی نیز بالاتر رود. در واقع وقتی که این

غرایز، هیجان‌ها و پرخاشگری‌ها از همان

سپیده کودکی، نتواند در جایگاه مناسب

خویش بروز کند سبب این آسیب جدی برای

فرد و جامعه می‌شود.

